



Conceptual Expansion of Couple Conflict from the Perspective of Ethics Based on the Ethical works of Imam Khomeini

Marzieh Madanifar¹ | Masoumeh Esmaili² | Kiomars Farahbakhsh³ | Mohammad Asgari⁴

DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.58.1.0

Abstract

Given the importance of the family, addressing medical issues is very important in the strength and beliefs of Iranian families. Couple conflicts are one of the most common issues and its proper management plays an important role in maintaining the stability and peace of families. In this study, the main principles of the concept of Couple conflicts from the perspective of ethics were examined. By examining the Ethical works of Imam Khomeini, the bases and principles in the field of change in ethics based counseling, etiology and principles of treatment of Couple conflicts were extracted. The research method in this research was Frankenna's inferential method and the method of extracting from Imam Khomeini's moral texts was Schleiermacher's hermeneutic method. The main basis of ethics-oriented counseling is the emphasis on the innate desire of human beings for perfection and the nature of couple conflicts and the principles of treatment are explained on this basis and thus a conceptual development has been made in the concept of couple conflict from the ethical perspective.

Keywords: Couple Conflict, Ethics, Perfection Seeking, Conceptual Expansion.

1. Corresponding Author: PhD Candidate, Department of Consultancy, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
M.madanyfar@gmail.com
2. Full Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
3. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran
4. Associate Professor, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran

Cite this Paper: Madanifar' M; Esmaili'M & Farahbakhsh' K, Asgari' M. Conceptual Expansion of Couple Conflict from the Perspective of Ethics Based on the Ethical works of Imam Khomeini. The Women and Families Cultural-Educational, 58(1), 11-41.





۵۸

سال هفدهم
بهار ۱۴۰۱

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۱۹

تاریخ بازنگری: ۱۴۰۰/۰۸/۰۹

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۲/۱۷

صص: ۱۱-۴۱

شاپا چاپی: ۴۹۵۵-۲۶۴۵
الکترونیکی: ۵۲۶۹-۲۶۴۵

نشریه علمی فرهنگی تربیتی زنان و خانواده

بسط مفهومی تعارض همسران از منظر اخلاق مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

مرضیه مدنی فر^۱ | معصومه اسمعیلی^۲ | کیومرث فرحبخش^۳ | محمد عسگری^۴

چکیده

با توجه به اهمیت جایگاه خانواده، پرداختن به موضوعات مؤثر در استحکام و اعتلای خانواده‌های ایرانی اهمیت بسزایی دارد. تعارضات همسران یکی از مسائلی است که فراگیری زیادی داشته و مدیریت صحیح آن نقش مهمی در حفظ ثبات و آرامش خانواده‌ها دارد. در این پژوهش، مبانی زیربنایی مفهوم تعارض همسران از منظر اخلاق مورد بررسی قرار گرفت و با بررسی آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)، مبانی و اصول در حیطه نقطه تغییر در مشاوره اخلاق محور، علت‌شناسی و اصول درمان تعارض همسران استخراج شد. روش تحقیق در این پژوهش، روش هرمنوتیکی شلاپراماخر است. مبانی اصلی مشاوره اخلاق محور، تأکید بر میل فطری انسان‌ها به کمال است و ماهیت تعارضات همسران و اصول درمان نیز بر همین مبنا تبیین شده است. مبانی استخراجی در سه دسته مبانی گرایشی، بینشی و کنشی دسته‌بندی شده و بدین ترتیب، بسط مفهومی در مفهوم تعارض همسران از منظر اخلاق صورت گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تعارض همسران؛ اخلاق؛ کمال طلبی؛ بسط مفهومی.

* این مقاله مستخرج از رساله دکتری رشته مشاوره است.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری مشاوره، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران M.madanyfar@gmail.com

۲. استاد، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۳. دانشیار، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

۴. دانشیار، دانشگاه علامه طباطبایی (ره)، تهران، ایران

استناد: مدنی فر، مرضیه؛ اسمعیلی، معصومه؛ فرحبخش، کیومرث؛ عسگری، محمد. بسط مفهومی تعارض همسران از منظر اخلاق مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (ره)؛ فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده، ۱۵۸ (۱)، ۴۱-۱۱. DOR: 20.1001.1.26454955.1401.17.58.1.0

ناشر: دانشگاه جامع امام حسین (ع) © نویسنندگان

این مقاله تحت لیسانس آفرینندگی مردمی (Creative Commons License- CC BY) در دسترس شما قرار گرفته است.



مقدمه و بیان مسئله

تعارض زناشویی، کنش و واکنش بین زوجی است که قادر نیستند منظور خود را تفهیم نمایند و همین، باعث عدم توافق، ناسازگاری و مشکلات ارتباطی بین آنها می‌شود (زارعان، ۱۳۹۰: ۳۴). تعارض از مهم‌ترین عوامل چالش برانگیز در خانواده است و نشانه‌های مهمی برای یک رابطه زناشویی دربردارد.

تعارض در روابط عاطفی منجر به تجربه استرس بالایی می‌شود و می‌توان آن را حاوی پیامدهای منفی درباره رضایت زناشویی و دوام رابطه دانست (فینی و کارانتزاس، ۲۰۱۷: ۶۰). همین‌طور مدیریت و حل تعارضات از مهم‌ترین عوامل کاهش طلاق و نیز تأمین‌کننده رضایت زناشویی و سرمایه‌های روان‌شناختی همسران است (طهرانی آزاد، مجتبایی، ۱۳۹۸: ۴۷۵). به‌طور کلی تعارض با نارضایتی ارتباطی، طلاق، خشونت خانوادگی، عملکرد شغلی و والدگری ارتباط مستقیم دارد. بنابراین مطالعه و بررسی‌های واکاوانه پیرامون آن از اهمیت بالایی برخوردار است (ویتون، جیمیز چنگال، رودیس و مارکمن، ۲۰۱۸: ۴۳).

توانمندسازی زوجین در جهت مدیریت تعارضاتشان، در کاهش نارضایتی‌های آنها و متعاقباً جلوگیری از فروپاشی خانواده‌ها مؤثر واقع می‌شود. در این راستا پژوهش‌های بسیاری به بررسی آثار منفی تعارضات، از جمله تجربه استرس بالا در روابط عاطفی (فینی و کارانتزاس، ۲۰۱۷: ۶۰)، طلاق و کاهش سرمایه‌های روان‌شناختی همسران (طهرانی آزاد، ۱۳۹۸: ۴۷۵)، نارضایتی ارتباطی، خشونت خانوادگی، کاهش عملکرد شغلی و والدگری (ویتون و همکاران، ۲۰۱۸: ۴۳) کاهش سلامت جسمی زوجین به واسطه ایجاد افسردگی و مشکلات روحی (کوبریچ، میلر، هسیاوا، ۲۰۱۷: ۳، ۸۷)، آسیب روانی بر کودکان، مشکلاتی در سبک‌های سازگاری کودک، مشکلات ارتباطی با همسالان، سلامتی و مشکلات تحصیلی و عدم موفقیت در مدرسه فرزندان (تیوما، ۲۰۱۶: ۱۰)، اثر مخرب بر سیستم پاسخ به استرس کودکان (برگمن، کومینگ، داویس، ۲۰۱۴: ۲۳۳)، رفتارهای

1. Feeney, J. A., Karantzas, G. C.
2. Whitton, S. W., James-Kangal, N., Rhoades, G. K., & Markman, H. J.
3. Kubricht, B. C., Miller, R. B., Li, T. S., & Hsiao, Y. L.
4. Teuma, M.
5. Bergman, K. N., Cummings, E. M., & Davies, P. T.

پرخاشگرانه و عصبی کودک (کامینگ، زان-واکسلر، رادکه یارو^۱، ۱۹۸۱: ۱۲۷۴ و کامینگ، کوپیک موری، پاپ^۲، ۲۰۰۴: ۱۹۱) تخریب روابط والد و کودک در دوران بلوغ (پتیت، لانسفورد، داجه، بانیز^۳، ۲۰۱۰: ۸۹) پرداخته‌اند.

انواع تعارض نیز از زوایای مختلف، از جمله هویت ارتباطی تعارضات (والش، نیف^۴، ۲۰۱۸: ۵۸۸)، ماهیت عاطفی تعارضات (سنفورد^۵، ۲۰۰۷: ۸)، الگوهای ارتباطی مختلف تعارضات (گاتمن، مارکمن، نوتاریوس ۱۹۷۷: ۴۶۵ و کاگلین، اسکات، اسمیت، ویلسون^۶، ۲۰۱۰) بررسی شده است.

برخی پژوهش‌ها نیز به بررسی علل برون رابطه‌ای زمینه‌ساز تعارض، از جمله تروماها و حوادث استرس‌زا، مانند بحران‌های اقتصادی، بیماری‌های همه‌گیر مانند کرونا (اسچمید، وونک، هانک، ساوتزوک، والپر^۷، ۲۰۲۰: ۲؛ بحار-زوسمن، چاوز، گاتامورتا^۸، ۲۰۲۰: ۱۰۴۵)، ناباروری (مایرز و همکاران^۹، ۱۹۹۵: ۲۳۱ و کجار و همکاران^{۱۱}، ۲۰۱۴: ۲۷۰)، رسیدن به دوره‌های گذار (گولدنبرگ، ۱۳۹۴: ۶۷؛ رولینز، فیلمدن^{۱۱}، ۱۹۷۰: ۲۰؛ پیکسو-تو-فريتاس، رودریگز-گونزالز، کرابتری، مارتینز^{۱۲}، ۲۰۲۰: ۱)، فرایند نوسازی و رسانه‌های مجازی (اسلام‌زاده، اسمعیلی، کاظمیان ۱۳۹۶: ۱۶۰) پرداخته‌اند.

برخی دیگر از پژوهش‌ها، ویژگی‌های شخصیتی (دوناتز^{۱۴}، ۲۰۲۰: ۱)، تفاوت‌های جنسیتی (عرب خراسانی، قاسمی و ربانی خوراسگانی، ۱۳۹۹، ۱۱۳؛ والش، نیف^{۱۵}، ۲۰۱۸؛ کاگلین، اسکات، اسمیت، ویلسون^{۱۶}، ۲۰۱۰: ۱۸۰)، بازنمایی^{۱۷} روابط والدین (کوران، اگلسکی، هازن،

1. Cummings, E. M., Zahn-Waxler, C., & Radke-Yarrow, M.
2. Cummings, E. M., Goeke-Morey, M. C., & Papp, L. M.
3. Yu, T., Pettit, G. S., Lansford, J. E., Dodge, K. A., & Bates, J. E.
4. Walsh, C. M., & Neff, L. A.
5. Sanford, K.
6. Gottman, J., Markman, H., & Notarius, C.
7. Caughlin, J. P., Scott, A. M., Smith, S., & Wilson, S. R.
8. Schmid, L., Wörn, J., Hank, K., Sawatzki, B., & Walper, S.
9. Behar, Zusman, V., Chavez, J. V., & Gattamorta, K.
10. Meyers, M., WEINSHEL, M., SCHARF, C., KEZUR, D., DIAMOND, R., & RAIT, D. S.
11. Kjaer, T., Albieri, V., Jensen, A., Kjaer, S. K., Johansen, C., & Dalton, S. O.
12. Rollins, B. C., & Feldman, H.
13. Peixoto-Freitas, J., Rodríguez-González, M., Crabtree, S. A., & Martins, M. V.
14. Dunaetz, D. R.
15. Walsh, C. M., & Neff, L. A.
16. Caughlin, J. P., Scott, A. M., Smith, S., & Wilson, S. R.
17. Representations.

بوش^۱، ۲۰۱۱: ۲۲۱)، سبک‌های دلبستگی (تیلور، سیدال، رابینسون، بردفورد^۲، ۲۰۱۸: ۴۶) و مهارت‌های ارتباطی ضعیف (بیچوف^۳، ۲۰۰۸: ۷۱) را از عوامل درون رابطه‌ای تعارضات همسران بر می‌شمارند.

تا کنون الگوهای مختلف درمان تعارض مورد بررسی و آزمایش قرار گرفته است و به طور نسبی در درمان زوجین مؤثر واقع شده است. اما به نظر می‌رسد با توجه به اینکه تمرکز اکثر این الگوها بر تغییرات نوع اول و تغییرات نوع دوم بوده که بازگشت‌پذیری و احتمال عود مجدد درباره آنها وجود دارد (اسمعیلی، ۱۳۹۷، ۱۰۲) و نیز سیر صعودی طلاق و کاهش ازدواج در سال‌های اخیر^۴، نیاز به بازنگری عمیق‌تری برای اتخاذ رویکردهای منطبق با فرهنگ جامعه وجود دارد. اخلاق ضمن اینکه مفهومی با قدمت طولانی است، با فرهنگ جوامع نیز همخوانی بالایی دارد. از سوی دیگر از آنجا که مدیریت تعارض ارتباط مستقیمی با میزان کنترل درونی افراد دارد، به نظر می‌رسد میان این مفهوم و مفهوم اخلاق قرابت مشهودی وجود دارد.

تعارض، ابعاد گوناگونی از جمله قدرت، کنترل و پتانسیل آسیب‌پذیری و حسی را در برمی‌گیرد و از آنجا که اخلاق به مباحث مربوط به رفتار درست و نادرست می‌پردازد، در درک مسائل مربوط به "تعارض همسران" مؤثر است (دوهری^۵، ۱۹۸۵، ۳).

در سال‌های اخیر نیز پژوهشگران دریافته‌اند که هیجان‌ات نقش محوری در شکل‌گیری تعارضات دارند. هیجان‌ات به تنهایی برای مدیریت تعارضات، حل و فصل آنها و برقراری آشتی و مصالحه کافی هستند. تنظیم هیجان‌ات به طور مستقیم و غیرمستقیم، راه مناسبی برای کاهش تعارضات و برقراری صلح است. رویکردهای جدید برای تنظیم هیجان‌ات، به ویژه برای تعارضات غیر قابل کنترل مهم هستند (هالپرین و تاگاری^۶، ۲۰۱۷، ۹۵).

1. Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., & Bosch, L.

2. Taylor, N. C., Seedall, R. B., Robinson, W. D., & Bradforld, K.

3. Bischoff, R. J.

۴. طبق آمارهای ثبتی در بهمن ماه ۱۳۹۹ حاصل از مرکز ملی آمار ایران در سال ۱۳۹۸، ۵۱۹۲۵۰ ازدواج در کل کشور ثبت شده و

میزان طلاق ثبت شده ۱۷۱۲۴۶ بوده است. این در حالی است که در سال ۱۳۸۸، ۸۹۰۲۰۸ ازدواج و ۱۲۵۷۴۷ طلاق در کل کشور به

ثبت رسیده است. بررسی این ارقام، حاکی از کاهش نرخ ازدواج و افزایش نرخ طلاق در ده سال گذشته است. (مرکز آمار ایران،

<https://www.amar.org.ir/۱۴۰۰>)

5. Dohery, W. J.

6. Halperin, E., Tager, M. R.

نگرش‌ها و ارزیابی‌های تحریف شده (از جمله انکار و عقلانی‌سازی) در تعارضات همسران نقش دارند و از سوی دیگر این رفتارها مکانیسم‌های دفاعی ناخودآگاه یا تحریفات شناختی نیستند، بلکه انتخابی هستند و به انتخاب و مسئولیت‌پذیری اخلاقی مربوط می‌شوند. به بیان دیگر، نگرش‌های زوجین در مورد مفاهیم اخلاقی (از جمله انصاف و برابری و عدالت) در پویایی‌های ارتباطی آنها مؤثر است. در نتیجه کمک به همسران برای قبول مسئولیت در قبال ارزیابی‌های خود (مبتنی بر ارزش‌های اخلاقی)، می‌تواند در درمان تعارضات همسران بسیار مهم باشد (وایتینگ^۱، ۲۰۰۸، ۴۵).

به طور کلی می‌توان گفت در عصر پیشرفت تکنولوژی و پیچیده‌تر شدن ارتباطات بشری، مفاهیمی چون اخلاق و اخلاق عملی به منظور جلوگیری از تنش‌ها و اعتلای کیفی ارتباطات مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفته است و به نظر می‌رسد نکات اخلاقی بیش از جنبه‌های حقوقی در روابط خانواده اثر دارد و امروز خانواده‌ها بیش از گذشته نیاز به زیربنای اخلاقی دارند (ساگر، ساگر و سنتوس^۲: ۲۰۰۵: ۲۱۲).

همچنین از آنجا که ماهیت علوم انسانی به گونه‌ای بنیادین به انسان تعلق دارد و انسان هم موضوع این دانش است و هم پژوهشگر آن، پس نمی‌تواند بریده از زیست‌بوم فرهنگی و اعتقادی نگریسته شود (بهرامی و سبزی ۱۳۹۶، ۶۲). در نتیجه با توجه به نقش پررنگ فرهنگ در ماهیت تعارضات همسران، ضرورت اتخاذ مبنای اخلاقی بومی بیش از پیش آشکار می‌شود.

با توجه به پیچیدگی ریشه‌های تعارض همسران در عصر کنونی و نیز اهمیت بومی‌سازی درمان‌های معطوف به خانواده که عامل فرهنگ در آن‌ها نقش بسزایی دارد، ضرورت پرداختن به درمان‌های اخلاقی آشکار می‌شود. به عبارت دیگر اخلاق تغییراتی از جنس تغییرات نوع سوم^۳ را ایجاد می‌کند؛ تغییراتی که مستلزم تغییر در هویت و جهان‌بینی فرد در مورد رابطه‌ها و زندگی کلی افراد است و ارزش‌ها و نگرش‌های فرد را تحت تأثیر قرار می‌دهد (اسمعیلی، دهدست، قبادی و عسگری ۱۳۹۹: ۹) که احتمال بازگشت‌پذیری را به شدت کاهش می‌دهد، چرا که این تغییرات دربرگیرنده تغییرات نوع اول^۴ و تغییرات نوع دوم^۱ است و در عین حال به دلیل فراروی از ساختار

1. Whiting, J. B.

2. Sager, D. E ;W. G Sager & Sanctus.

3. Third Order Change.

4. First Order Change.

این دو تغییر و توجه ویژه به بافت اجتماعی از پایداری بیشتری در عملکرد و پیامدها برخوردار است (اسمعیلی، ۱۳۹۷: ۹۷).

همچنین ماهیت کنترلگری درونی اخلاق (دوهری ۱۹۸۵: ۴) منجر به اصلاح فرد، فارغ از میزان سهم گذاری طرف مقابل می شود و این عامل در فضایی که اکثر زوجین پذیرای سهم نابرابری در تعارضاتشان هستند، حائز اهمیت است. علاوه بر موارد مذکور به دلیل غنای مبانی دینی در زمینه اخلاق، این شیوه درمان از ظرفیت دینی و بومی بالایی نیز برخوردار است.

در سال های اخیر پژوهش های مفیدی با رویکرد دینی و مذهبی انجام گرفته است. از جمله پژوهشی با عنوان «ارائه الگوی خانواده درمانی سهم گذار در حل تعارضات خانواده» که با هدف ارائه یک الگوی مشاوره ازدواج و خانواده انجام شده است (اسمعیلی، ۱۳۹۳: ۹). همین طور پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده بر مبنای دیدگاه انسان شناسانه آیت الله جوادی آملی» که در آن گفته شده خانواده یا جهت گیری الهی و فطری دارد و در نتیجه سالم و تعالی جو است و یا جهت گیری آن به سوی طبیعت و غیر الهی است و در نتیجه باورها، گرایش ها و رفتارهایش ممکن است بهنجار یا متعارض باشد. بر این پایه، در حوزه خود درمانبخشی سه الگو استنباط کرده اند که در این پژوهش، الگوی خود درمانبخشی خانواده متعالی مورد نظر بوده است (کاظمیان، شریعتی، اسمعیلی، فرحبخش، ۱۳۹۲: ۱۳).

پژوهش نعیمی و شریعتی (۱۳۹۳: ۲) با هدف استخراج یک الگوی مشاوره ای در جهت حل تعارضات زناشویی بر پایه آیات قرآن کریم و تفاسیر مرتبط و به روش تحلیل محتوا به انجام رسیده است. پژوهشگر معتقد است زیربنای همه تعارضات در دو مقوله عدم شناخت مفهوم جنسیت از دیدگاه خالق هستی و نیز تجارب، دانش ها، ارزش ها و باورهای فرد، زمینه بروز و ظهور می یابد.

احمدی و همکاران (۱۳۹۵: ۱۰۰) در پژوهشی با عنوان مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت درمانی بر تعارضات زناشویی به این نتیجه رسیدند که معنویت درمانی اثربخشی بیشتری نسبت به آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی بر کاهش تعارضات زناشویی داشته است. طرح معنویت درمانی این پژوهش، سه بعد اصلاح رابطه با خالق (توکل، توبه،

خودشناسی، عبادات و مناسک دینی)، اصلاح رابطه با خویشتن (شناخت هدف و معنای زندگی، اندیشه معنوی و مراقبه، صبر)، اصلاح رابطه با دیگران (حسن خلق، بخشایش و رعایت حقوق دیگران با تأکید بر رابطه با همسر) را در بر می‌گیرد. پژوهش‌های مذکور با وجود مبنای فلسفی اسلامی و بررسی و درمان تعارض با رویکرد دینی، به جنبه اخلاقی بودن بررسی منابع دینی و استخراج یک الگوی اخلاق محور پرداخته‌اند.

در این میان، پژوهشی با عنوان «طراحی الگوی اخلاقی خانواده امن و عاری از خشونت علیه زنان، مبتنی بر نظرات نراقی» اختصاصاً به طراحی الگویی اخلاقی پرداخته است. پژوهشگر با ترکیب نظرات نراقی در جامع السعادات و مضامین الگوی تغییر نور کراس و پروچاسکا، الگوی پنج مرحله‌ای طراحی می‌کند که در قالب ۱۰ گام به اصلاح صفت و قوا پرداخته و برای جلوگیری از خشونت خانوادگی بر علیه زنان به کار می‌رود (شریعتمدار، ۱۳۹۶: ۳۴).

در موضوع اخلاق و فلسفه اخلاق در طول تاریخ، مکاتب و دیدگاه‌های متعدد و متنوعی از سوی اندیشمندان و فیلسوفان شرق و غرب پدید آمده است. بسیاری از فیلسوفان، از روزگار یونان باستان تا عصر حاضر، همواره کوشیده و می‌کوشند تا متناسب با مبانی فکری و فلسفی خود، نظامی اخلاقی ارائه دهند. این مکاتب و نظام‌های اخلاقی از سوی نویسندگان مختلف، به گونه‌های متفاوتی دسته‌بندی و تنظیم شده‌اند.

از جمله دسته‌بندی تاریخی^۱، دسته‌بندی بر اساس نظریات اخلاق هنجاری^۲، دسته‌بندی بر اساس واقع‌گرایی و غیرواقع‌گرایی^۳ (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۶۷) است؛ اما در این میان یکی از

۱. ۱) یونان ما قبل سقراط؛ ۲) یونان باستان؛ ۳) دوران یونانی مآبی؛ ۴) فلسفه اخلاق رومی؛ ۵) قرون وسطای اولیه؛ ۶) قرون وسطای متأخر؛ ۷) رنسانس؛ ۸) قرون هفدهم و هیجدهم؛ ۹) فلسفه اخلاق بریتانیا در قرن نوزدهم؛ ۱۰) فلسفه اخلاق قاره اروپا در قرن نوزدهم؛ ۱۱) فلسفه اخلاق قاره اروپا در قرن بیستم (بخش اول)؛ ۱۲) فلسفه اخلاق قاره اروپا در قرن بیستم (بخش دوم)؛ و ۱۳) فلسفه اخلاق انگلیسی - آمریکایی قرن بیستم (بکر)

۲. بر اساس این ملاک نظریات مختلف به سه دسته پژوهش‌های توصیفی، پژوهش‌های فرااخلاق و پژوهش‌های هنجاری تقسیم می‌شوند.
 ۳. مکاتب و نظریات غیر واقع‌گرا: ۱. حساس‌گرایی ۲. توصیه‌گرایی ۳. جامعه‌گرایی ۴. قراردادگرایی ۵. نظریه امر الهی یا حسن و قبح شرعی هستند و مکاتب واقع‌گرا خود در یک دسته‌بندی به دو دسته مکاتبی که واقعیت احکام و قضایای اخلاقی را واقعیت‌های طبیعی می‌دانند (لذت‌گرایی، سودگرایی، دیگرگرایی/عاطفه‌گرایی، قدرت‌گرایی، تطورگرایی، وجدان‌گرایی) و مکاتبی که واقعیت آنها را در امور متافیزیکی و مابعدالطبیعی جستجو می‌کنند (مکتب کلبی، مکتب رواقی، مکتب کانت، سعادت‌گرایی) سقراط، افلاطون و ارسطو (و مکتب اخلاقی اسلام) تقسیم می‌شوند.

دسته‌بندی‌های رایج، دسته‌بندی مکاتب اخلاقی به چهار مکتب مهم وظیفه‌گروی یا اصالت وظیفه^۱، نتیجه‌گروی با اصالت نتیجه^۲، اخلاق فضیلت محور^۳ و اخلاق حق محور^۴ است (امید، ۱۳۸۸: ۴۵) که در برخی موارد اخلاق مراقبت-محور^۵، مورد چهارم این دسته‌بندی برشمرده شده است (توانا^۶، ۲۰۰۷: ۳۷۰).

اخلاق توحیدی واقع‌گرا، اثبات‌پذیر و کمال‌گرا است؛ یعنی برخلاف برخی مکاتب اخلاقی که بدون تعیین ملاک ارزیابی واحد، ارزش‌ها را تابع قرارداد جمعی و یا سلیقه فردی قلمداد می‌کنند و این تفکر در بی‌ارتباط دانستن ارزش‌ها و واقعیات عینی است، ولی اخلاق توحیدی اخلاقی واقع‌گرا است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۶۳). با توجه به مطالب ذکر شده در باب مبانی فلسفه اخلاق و نقدهای مربوط به آن از یک سو و اهمیت بومی بودن درمان اخلاقی از سوی دیگر، ضرورت بررسی محتواهای اخلاق توحیدی روشن است.

بر اساس نظریه بسیاری از اصحاب علم و عمل اخلاق، کتب اخلاقی بر اساس محتوا و روش-های نگارشی آن و مکتب و مشرب اخلاقی صاحبان چنین کتاب‌هایی بر سه قسم قابل تقسیم است و قسم چهارم کتب را می‌توان کتبی که روش آنها تلفیقی از سه روش اول است، دانست. الف) اخلاق عقلی - فلسفی ب) اخلاق عرفانی - باطنی ج) اخلاق دینی - مذهبی (کتاب و سنت) (رودگر، ۱۳۸۳).

در این میان، قالب بودن فضای عاطفی و هیجانی در تعارضات همسران، پژوهشگر را به انتخاب منبعی اخلاقی - عرفانی رهنمون ساخت که در آن تنها به حرکت فکری و عقلی بسنده نشده است، بلکه فراتر از عقل و سلوک عقلی به تزکیه و سلوک درونی توجه می‌شود. از میان کتاب‌های اخلاقی - عرفانی، آثار اخلاقی روح‌الله خمینی که مشتمل بر مباحث ارزشمند عرفان نظری، فلسفه اسلامی، اخلاق، شرح احادیث، انسان‌شناسی و تفسیر همراه با نصایح اخلاقی است، انتخاب شد. در نتیجه، این پژوهش به بسط مفهومی تعارضات همسران از منظر اخلاق مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله) پرداخته است.

1. Deontologism.
2. Teleologism.
3. Virtue-based ethics.
4. Rights-based ethics.
5. Care-based ethics.
6. Tuana, N.

روش پژوهش

این پژوهش در سال ۱۳۹۹ آغاز شد و نوع مطالعه در این پژوهش مطالعه کیفی است. روش کار در این پژوهش بدین صورت است که ابتدا برای پاسخ به سؤال اصلی پژوهش، آثار مختلف در حیطه درمان تعارضات همسران بررسی شد و در محورهای کلی مورد نیاز در حیطه‌های چستی، چرایی و چگونگی تعارضات همسران کلیدواژه‌های مناسب تعیین شد.

سپس با کلیدواژه‌های مذکور به سراغ منبع اخلاقی رفته و با استفاده از شیوه برداشت از متن هرمنوتیکی به فهم متن و استخراج مبانی و اصول مورد نظر پرداخته شد. منبع تحلیل (جامعه) در این پژوهش، کتب اخلاق عرفانی روح‌الله خمینی است. واحد تحلیل (نمونه)، موضوعات، سؤالات و کلمات مرتبط با تعارضات زناشویی استخراج شده از منبع اخلاقی مورد نظر است.

روش برداشت و بررسی مفاهیم مستخرج روش هرمنوتیک^۱ شلایرماخر^۲ است. روش هرمنوتیک همان‌طور که در معنای لغوی آن مشخص است، به معنای آشکار کردن امور مبهم و به طور کلی به معنای تفسیر کردن است. انتخاب این روش از بین روش‌های هرمنوتیکی، به دلیل تأکید شلایرماخر بر برداشت از متن با توجه به شناخت کامل از مؤلف و بررسی ابعاد مختلف فرهنگی، اجتماعی و دوره تاریخی که مؤلف متن در آن زندگی می‌کرده بوده است؛ چرا که در آثار اخلاقی امام خمینی به طور مستقیم به مفهوم تعارضات همسران پرداخته نشده و استخراج مفاهیم، مستلزم بررسی در مبانی فکری امام خمینی (رحمه‌الله) است. شلایرماخر توجه بسیار زیاد به فردیت مؤلف داشته و به اصولی چون اصل تفاوت مراد افراد بر اساس تفاوت فردیت آنها، اصل مراد نهایی و امکان رسیدن به مراد مؤلف اشاره داشته است. این توجه به فریت مؤلف باعث می‌شود پژوهش‌های مبتنی بر این روش از انسجام خوبی که حول اندیشه‌های مؤلف شکل گرفته برخوردار باشند.

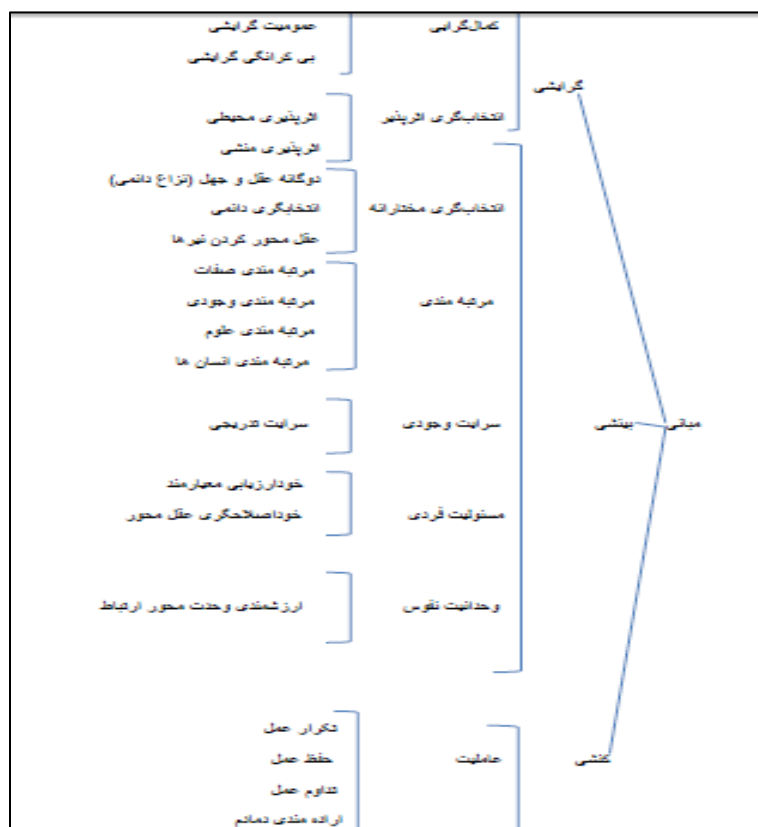
پس از استخراج مفاهیم از روش کدگذاری برای دسته‌بندی مفاهیم استفاده شد و پس از استخراج کدهای محوری و تکمیل کار، به منظور اعتباریابی محتوایی، مورد ارزیابی چند تن از اساتید دانشگاه رشته مشاوره و همچنین اساتید اخلاق قرار گرفت و تغییرات پیشنهادی اساتید

1. Hermeneutics.
2. Schleiermacher.

اعمال گشت.

یافته‌های پژوهش

سؤال: مبانی و اصول زیربنایی مشاوره اخلاق محور برای مدیریت تعارضات همسران مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله) چیست؟
 در این پژوهش محقق تلاش کرده است با استخراج مبانی هستی‌شناسی و اصول مرتبط با آن از آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)، بسط مفهومی در مفهوم تعارض همسران از منظر اخلاق ایجاد کند. این مبانی در سه دسته اصلی مبانی گرایشی، مبانی بینشی و کنشی ارائه شده و اصول مرتبط با هر مبنا نیز تبیین شده و در جداول مربوطه آمده است.



شکل ۱. نمودار مبانی مشاوره اخلاق محور

- مبنای گرایشی مشاوره اخلاق محور: کمال طلبی
- اصل: توجه دادن به عمومیت گرایشی
- اصل: توجه دادن به بیکرانگی گرایشی

جدول ۱. کدهای تبیین کننده اولین مبنای گرایشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
فطرت‌های الهیه برای انسان متعدد است، از جمله: فطرت بر اصل وجود مبدأ، فطرت بر توحید، فطرت بر اجتماع آن ذات مقدس جمیع کمالات را، فطرت بر یوم معاد، فطرت بر نبوت، فطرت اصلی عشق به کمال و فطرت فرعی تنفر از نقص، فطرت عشق به راحت، فطرت عشق به حریت و دیگر فطرت‌ها (چهل حدیث، ۱۸۲). فطرت عشق به کمال مطلق و خیر و سعادت مطلقه اصلی و فطرت تنفر از نقص و انزجار از شر و شقاوت عرضی و عشق به کمال و تنفر از نقص هم تبع این دو است (جنود عقل و جهل، ۷۶).	انسان موجودی کمال طلب است
فطرت، فطرت توحید است؛ فطرت کمال طلبی است. کمال مطلق را انسان می‌طلبد، خودش نمی‌فهمد. خیال می‌کند که مقام می‌خواهد، لکن وقتی بهش رسید، می‌بیند این هم نیست. همه عالم را اگر چنانچه جمع کنند و به دست انسان بدهند، قانع نیست (صحیفه امام، ۳۷۶).	بیکرانگی گرایشی
فطرت عشق به کمال، یکی از فطرت‌هایی است که همه انسان‌ها مخمر به آن هستند و یک نفر در عایله بشر نیست که برخلاف آن باشد. هیچ یک از عادات، اخلاق، مذاهب، مسالک و... آن را تغییر ندهد و در آن خلل ایجاد نکند (چهل حدیث، ۱۸۲).	عمومیت گرایشی
کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)	بر اساس مبنای اول، گرایش به کمال میلی عمومی است؛ یعنی این کمال‌جویی ویژه گروه خاصی نبوده و همه انسان‌ها در آن مشترک هستند و این میل بی‌انتهاست. توجه دادن به دو اصل عمومیت گرایشی و بیکرانگی گرایشی از اصول مرتبط با مبنای کمال طلبی است.

- مبنای گرایشی مشاوره اخلاق محور: انتخابگری اثرپذیر
- اصل: توجه دادن به اثرپذیری محیطی
- اصل: توجه دادن به اثرپذیری منشی

جدول ۲. کدهای تبیین کننده دومین مبنای گرایشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
انسان‌ها در تشخیص کمال و اینکه کمال چیست و محبوب و معشوق کجاست، اختلافات زیاد دارند و هر یک معشوق خود را در چیزی یافته و گمان کرده و کعبه آمال خود را در چیزی توهم کرده و متوجه آن شده و از دل و جان آن را خواهانند (چهل حدیث، ۱۸۲). از عشق به کمال منشعب شود. عشق به علم مطلق، قدرت مطلق، حیات مطلق، اراده مطلق و... از اوصاف جمال و جلال در فطرت تمام عائله بشر است. آنچه اختلاف محیطها، عادات، مذاهب، عقاید و امثال آن در سلسله بشر تأثیر نموده، در تشخیص متعلق فطرت و مراتب آن تأثیر نموده و ایجاد اختلافات کثیره عظیم نموده، نه در اصل آن (جنود عقل و جهل، ۸۰).	انتخابگری اثرپذیر
از عشق به کمال منشعب شود. عشق به علم مطلق، قدرت مطلق، حیات مطلق، اراده مطلق و... از اوصاف جمال و جلال در فطرت تمام عائله بشر است. آنچه اختلاف محیطها، عادات، مذاهب، عقاید و امثال آن در سلسله بشر تأثیر نموده، در تشخیص متعلق فطرت و مراتب آن تأثیر نموده و ایجاد اختلافات کثیره عظیم نموده، نه در اصل آن (جنود عقل و جهل، ۸۰).	اثرپذیری محیطی
اعمال تابع شاکله هستند (چهل حدیث، ۳۳۲).	اثرپذیری منشی
کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)	انسان موجودی اثرپذیر و اثرگذار در هستی است. به عبارت بهتر، انسان انتخابگر اثرپذیر است. این اثرپذیری می‌تواند به صورت بیرونی (اثرپذیری محیطی) و درونی (اثرپذیری منشی) باشد و توجه دادن به این تأثیرپذیری‌ها از اصول مرتبط با این مبنا است.

- مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور: انتخابگری آزادانه
- اصل: توجه دادن به نزاع دائمی مؤلفه‌های عقل و جهل
- اصل: عقل محور کردن نیروها

جدول ۳. کدهای تبیین کننده اولین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
وَ اَنَا اخْتَرْتُكَ. پس، انسان مخلوق «لاجل الله» و ساخته شده برای ذات مقدس او است و از میان موجودات، او مصطفی و مختار است (آداب الصلاة، ۲۶۳).	انتخابگری آزادانه
همیشه بین این دو لشکر رحمانی عقلانی و شیطانی جهانسی، جنگ و نزاع است و انسان میدان جنگ این دو طائفه است (چهل حدیث، ۵).	نزاع دائمی مؤلفه‌های عقل و جهل
جنود رحمانی غالب شود اهل سعادت است و جنود جهل غالب شود انسان اهل شقاوت است (چهل حدیث، ۵). وهم و غضب و شهوت، اگر تسلیم عقل سلیم و انبیاء عظیم‌الشان باشند، بر محور اعتدال و از جنود رحمانی هستند. اگر سرخود باشند و وهم بر آن دو قوه حکومت کند، از جنود شیطانی است. پس نباید جلوی قوا را گرفت، بلکه باید تحت میزان عقل و حکم الهی انجام وظیفه کنند (چهل حدیث، ۱۶)	عقل محور کردن نیروها
اولین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور، انتخابگری آزادانه است؛ چرا که انسان‌ها در عین اشتراک در کمال طلبی به دلیل انتخاب آزادانه متعلق کمال، ممکن است مسیر جهل را انتخاب کنند. پس اولاً باید بدانند که نزاع مؤلفه‌های عقل و جهل دائمی است و ثانیاً باید مسیر عقل محوری را انتخاب کرده و نیروهای وجودی خود را عقل محور کنند.	کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)

- مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور: مرتبه‌مندی
- اصل: توجه دادن به مرتبه‌مندی صفات
- اصل: توجه دادن به مرتبه‌مندی انسان‌ها
- اصل: توجه دادن به مرتبه‌مندی وجود انسان
- اصل: توجه دادن به مرتبه‌مندی علوم

جدول ۴. کدهای تبیین کننده دومین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
<p>نباید فراموش کرد که سالک وقتی در سیر صعودی خود به مرتبه‌ای از مراتب هستی می‌رسد و وجود وی همان مرتبه و حقیقت را دارا می‌شود، در حقیقت سالک محلّ تجلّی حق در آن مرتبه می‌شود و همان تعابیر درباره وی نیز صادق است، و گفته می‌شود که وی صاحب مقام احدیت یا واحدیت و یا... می‌باشد (شرح دعای سحر امام، ۱۶۹). کلیه مراتب هستی کلام و کتاب حق، یا حروف وجودیه و کلمات الهیه می‌باشند.</p>	مرتبه‌مندی
<p>از برای هر یک از صفات نفسانیه، چه ملکات حسنه و چه ملکات سیئه، مراتبی است بسیار کثیر (چهل حدیث، ۵۶)؛ حتی صفات مشابه هم به دلیل مبادی، غایات و ثمرات مختلف با هم متفاوت هستند (جنود، ۳۳۶).</p>	مرتبه‌مندی صفات
<p>از برای هر یک از صفات نفسانیه، چه ملکات حسنه و چه ملکات سیئه، مراتبی است بسیار کثیر. بسا باشد که یک مرتبه از اتصاف به آن در حسنات و تنزیه آن در سیئات از مختصات عرفاء بالله یا اولیا خدا باشد و سایر مردم به حسب مقامی که دارند، آن صفت که برای دسته اول نقص است، برای آنها نقص نباشد، بلکه یک کمال هم باشد و همین‌طور حسنات این دسته، سیئات دسته دیگر است (چهل حدیث، ۵۶). اختلاف درجات صفات به دلیل اختلاف درجات عباد است (جنود، ۳۲۸).</p>	مرتبه‌مندی انسان‌ها

کدهای محوری (افق محقق)	آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)
مرتبه‌مندی وجود انسان	<p>انسان دارای سه نشئه است: نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت و عقل دوم، نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال سوم، نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت (چهل حدیث، ۳۸۶-۳۸۸).</p> <p>انسان اعجوبه‌ای است دارای دو نشئه در دو عالم بدن و نفس (امام برای نفس سه مرتبه و مقام قائل شده‌اند: مقام اول ظاهر و دنیای نفس، مقام دوم باطن و ملکوت نفس و مقام سوم مقام عقل (چهل حدیث، ۵).</p>
مرتبه‌مندی علوم	<p>علم سه قسم علوم عقلیه، فریضه عادلانه، توصیف فضیلت است. علمی که راجع به کمالات عقلیه و وظایف روحیه و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف آن است و علمی که راجع به اعمال قلبیه و وظایف نشئه ظاهره نفس است (چهل حدیث، ۳۸۶).</p>
در عالم همه چیز دارای مرتبه است. آگاهی از مرتبه‌مندی صفات، مرتبه‌مندی وجود انسان، مرتبه‌مندی علوم و حتی انسان‌ها با مراتب مختلف از اصول مرتبط با مبنای مرتبه‌مندی عالم است.	<p>کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)</p>

- مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور: سرایت
- اصل: توجه دادن به سرایت از ظاهر به باطن و بالعکس
- اصل: توجه دادن به سرایت تدریجی

جدول ۵. کدهای تبیین کننده سومین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی

امام خمینی (رحمة الله)

کدهای محوری (افق محقق)	آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)
سرایت	<p>انسان دارای سه نشئه است؛ نشئه آخرت و عالم غیب و مقام روحانیت، عقل دوم نشئه برزخ و عالم متوسط بین العالمین و مقام خیال سوم نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت. همه این مراتب ثلاثه به هم مرتبط هستند (چهل حدیث، ۳۸۶-۳۸۸). پس هر یک از احکام نشئات سه گانه به رفیق خود سرایت کند، به مناسبت نشئه آن (جنود عقل و جهل، ۶۹)، آثار هر یک به یکدیگر سرایت می کند؛ چه در جانب کمال و چه در جانب نقص (چهل حدیث، ۳۸۶-۳۸۸).</p> <p>پس هر یک از احکام نشئات سه گانه به رفیق خود سرایت کند، به مناسبت نشئه آن، مثلاً کسی که قیام به وظایف عبودیت تأثیراتی در قلب و روحش واقع شود که خلقتش را رو به نیکویی و عقایدش رو به کمال گذارد و همین طور اگر کسی مواظب تهذیب خلق و تحسین باطن شد، در دو نشئه دیگر مؤثر شود؛ چنان که کمال ایمان و احکام و عقاید، تأثیر در دو مقام دیگر می نماید و این از شدت ارتباطی است که بین مقامات است. تعبیر به ارتباط نیز از ضیق مجال است و باید گفت در یک حقیقت دارای مظاهر و مجالی است. همین طور کمالات مقامات ثلاثه بسته به کمالات هر یک است (جنود عقل و جهل، ۶۹)</p>
سرایت از ظاهر به باطن و بالعکس	<p>به دلیل اصل سرایت در شریعت به حفظ ظاهر و صورت خیلی اهمیت داده شده، چرا که تمام احکام باطن به ظاهر و ظاهر به باطن سرایت کند؛ حتی در کیفیت نشستن، برخاستن، راه رفتن و گفتگو کردن هم دستوراتی داده شده است، چرا که تمام اعمال ظاهریه در نفس و روح به واسطه تغییرات کلی حاصل می کند (جنود، ۳۷۸). به واسطه شدت اتصالی که ما بین ملک بدن و روح است، تمام آثار ظاهریه در روح و آثار معنویه در ملک بدن سرایت می کند. پس اگر کسی در حرکات و سکونات مواظبت کند که با سکونت و آرامش رفتار کند و در اعمال صوریه مانند اشخاص حلیم رفتار کند، کم کم این نقشه ظاهر به روح سرایت کند و روح از آن متأثر شود و اگر مدتی تحلم کند، به حلم منتهی می شود و این تکلف</p>

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
زوری، امر عادی نفس شود (جنود، ۳۸۱).	
نفس در اول امر به فرد متقی تکلیف قتل نفس و زنا نمی‌کند. ابتدای امر از درجه نازله در دل شما رخنه باز می‌کند و شما را وادار به مواظبت بر مستحبات کند و در عین حال، عمل یکی از اهل معصیت را در نظر شما به مناسبت حال شما جلوه دهد و به شما القا کند. حکم عقل، شرع و اعمال شما، موجب نجات شماست که نتیجه یکی، بدبینی به بندگان خدا و دیگر خودپسندی است که هر دو از مهلکات و سرچشمه مفاسد است. به خود بگویید شاید نور فطرتش هدایتش کند و این تعبیر و سرزنش شما را منجر به سوء عاقبت کند و امر به معروف و نهی از منکر غیر از تغییر قلبی است (چهل حدیث، ۶۷).	سرایت تدریجی
کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)	مبنای بینشی سوم مشاوره اخلاق محور سرایت است که به دلیل ارتباط تنگاتنگ مراتب وجودی انسان اتفاق می‌افتد. آگاهی از تدریجی و دو سویه بودن این سرایت از مرتبه باطن به ظاهر و بالعکس از اصول مشاوره اخلاق محور است.

- مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور: مسئولیت
- اصل: خودارزیابی معیارمند
- اصل: خوداصلاحگری عقل محور

جدول ۶. کدهای تبیین کننده مبنای هستی شناسی و چهارمین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
شما علما، شما اهل علم، و شما مسلمانان، مسئول می‌باشید. شما علما و طلاب در رأس و دیگر مسلمانان پس از شما مسئولند: کلکم راع و کلکم مسئول عن رعیتة (جهاد اکبر، ۶۲)، و باید دانست که عبودیت مطلقه از اعلی مراتب کمال و ارفع مقامات انسانیت است که جز اکمل خلق الله، محمد (صلی الله علیه و آله) بالاصالة و دیگر اولیای کمل بالتبعیة، کسی دیگر را از آن نصیبی نیست، و دیگران را پای عبودیت لنگ است و عبادت و عبودیت آنها معلل است و جز با قدم عبودیت نتوان به معراج حقیقی مطلق رسید	انسان در برابر خدا، خود و دیگران مسئول است

کدهای محوری (افق محقق)	آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)
	(آداب الصلاة، ۱۰).
خودارزیابی معیارمند	اشتباه بین صفات نفس بسیار است و کم کسی است که بتواند بین آنها تمیز بدهد و این یکی از مراتب نسیان نفس است (جنود، ۱۳۱). صفات نفسانی، چه رذایل و چه فضایل بسیار دقیق و مختلط است و فرق بعضی با بعضی بسیار مشکل است و بهتر این است که بررسی این امور را به وجدان واگذار کرد (چهل حدیث، ۸۰).
خوداصلاحگری عقل محور	هر کس باید خود معالج قلب و طیب روح خود باشد (جنود عقل و جهل، ۵۲). بر انسان سالک است که در دنیا صفحه نفس خویش را به قرآن و احادیث عرضه کند تا خود را بشناسد و معرفت به حال باطن خود که از کدام حزب و جند است، پیدا کند؛ حزب الرحمن و جند العقل یا حزب الشیطان و جند الجهل. اگر جنود عقل بود، سعی در محکم کردن جنود عقل در باطن کند و مغرور نشود و جنود جهل را نیز پاک کند و اگر حس کرد جنود جهل و حزب الشیطان غالب است، با هر جدیت و ریاضتی شده، مملکت باطن خود را از جنود شیاطین خالی کند (جنود عقل و جهل، ۵۲).
چهارمین مبنای بینشی، مسئول بودن انسان در برابر خود است. اصول مرتبط با این مبنا خودارزیابی معیارمند است که در هر یک از ابعاد وجودی، روش تشخیص منحصر به فردی دارد و پس از ارزیابی خوداصلاحگری و عل محور کردن نیروهای درونی است.	کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)

- مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور: وحدت نفوس
- اصل: ارزش گذاری وحدت محور ارتباطات

جدول ۷. کدهای تبیین کننده پنجمین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

کدهای محوری (افق محقق)	آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)
ارزش گذاری وحدت محور ارتباطات	مؤمنین مأمورند به دوستی، مواصلت، نیکویی به یکدیگر. مودت، اخوت و آنچه موجب وصول به وحدت نفوس شود، محبوب و آنچه آن را بگسلد، مبعوض (چهل حدیث، ۳۰۹).
وحدت نفوس	یکی از مقاصد بزرگ شرایع و انبیا، توحید کلمه و توحید عقیده است و این مقصد بزرگ انجام نگیرد، مگر در سایه وحدت نفوس، اتحاد همم، الفت و اخوت، صداقت قلبی و صفای باطنی و ظاهری و افراد جامعه به طوری شوند که نوع بنی آدم تشکیل یک شخص دهند و جمعیت به منزله یک شخص باشد و افراد به منزله اعضا و اجزای آن باشند. و تمام کوشش ها حول یک مقصد بزرگ الهی و یک مهم عظیم عقلی که صلاح جمعیت و فرد است چرخ زند. مؤمنین مأمورند به دوستی، مواصلت و نیکویی به یکدیگر. مودت و اخوت و آنچه موجب ازدیاد آن شود، محبوب و آنچه آن را بگسلد، مبعوض (چهل حدیث، ۳۰۹).
وحدت نفوس آخرین مبنای بینشی مشاوره اخلاق محور است و شیوه ارزش گذاری ارتباطات اصلی مرتبط با این مبنا است.	کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)

- مبنای کنشی مشاوره اخلاق محور: عاملیت
- اصل: تکرار عمل
- اصل: حفظ عمل
- اصل: تداوم عمل
- اصل: اراده مندی دمام

جدول ۸. کدهای تبیین کننده اولین مبنای کنشی مشاوره اخلاق محور و اصول مرتبط با آن، مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله)

آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)	کدهای محوری (افق محقق)
انسان مقهور تحت سلطه شهوت و هوای نفس است. و اما عمل؛ ارتیاضات شرعی و مخالفت نفس تا آنکه نفس عادت به خیرات و کمالات کند (چهل حدیث، ۲۵۵).	تداوم عمل
بر انسان سالک است که در دنیا صفحه نفس خویش را به قرآن و احادیث عرضه کند تا خود را بشناسد و معرفت به حال باطن خود که از کدام حزب و جند است پیدا کند. حزب الرحمن و جند العقل یا حزب الشیطان و جند الجهل. اگر جنود عقل بود، سعی در محکم کردن جنود عقل در باطن کند و مغرور نشود و جنود جهل را نیز پاک کند. اگر حس کرد جنود جهل و حزب الشیطان غالب است، با هر جدیت و ریاضتی شده مملکت باطن خود را از جنود شیاطین خالی کند (جنود عقل و جهل، ۵۲).	عاملیت
منزل دیگر بعد از تفکر که از برای انسان مجاهد پیش می آید، عزم است. عزم بر این که ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید و انسان شرعی عبارت است از موافق مطلوبات شرع رفتار کند و ظاهرش ظاهر رسول اکرم (ص) باشد و تاسی به آن بزرگوار نماید (چهل حدیث، ۸).	تکرار عمل
تذکر نفس و تکرار حق امر مطلوبی است و دلیل تکرار اذکار و اوراد هم همین است و نکته اصلی، عادت دادن نفس است (چهل حدیث، ۲۵۸). تکرر عمل و کثرت اقدام و زیادت مراد است، علم را به قلب می‌رساند، و شدید شدن رذیله موجب ملکه شدن آن می‌شود (جنود عقل و جهل).	تکرار عمل
اگر عملی تکرار شود، تبدیل به ملکه می‌شود و مجموعه ملکات در وجود فرد تشکیل شاکله می‌دهد. عمل همان نیت است و غیر نیت چیزی در کار نیست. با توجه به کلام "کل یعمل علی شاکلته"، اعمال تابع منش فرد است (خمینی، ۱۳۸۱، ۳۳۲).	تکرار عمل
نیت از عمل افضل است، بلکه نیت تمام حقیقت عمل است؛ زیرا نیت صورت کامله عمل و فصل محصل او است و صحت و فساد و کمال و نقص اعمال به آن است. چنانچه عمل واحد به واسطه نیت گاهی تعظیم و گاهی توهین است	حفظ عمل

کدهای محوری (افق محقق)	آراء امام خمینی (رحمة الله) (افق مؤلف)
	<p>و گاهی تام و گاهی ناقص است و گاهی از سنخ ملکوت اعلی و صورت بهیه جمیله دارد و گاهی از ملکوت اسفل و صورت موحشه مدهشه است (چهل حدیث، ۳۳۱). شیخ استاد ما، (دام ظلّه) می فرمودند: میزان در ریاضت باطل و ریاضت شرعی صحیح قدم نفس و قدم حق است. مدتی مواظبت کن از قلب خود و اعمال، رفتار، حرکات و سکناات خود را تحت مذاقه آورده، و خفایای قلب را تفتیش کن و حساب شدید از او بکش.</p>
<p>اراده مندی دمام</p>	<p>انسان می تواند نشئه خود را تبدیل کند مظهریت ابلیسیه را به آدمیه و اینکه فلان خلق زشت یا فلان صفت رذیله از ذاتیات است و قابل تغییر نیست، حرفی بی اساس و ناشی از قلت تدبیر است، و با ریاضت و مجاهدت، تمام صفات نفسانیه را می توان تبدیل نمود و تغییر داد (جنود عقل و جهل، ۳۴). منزل دیگر بعد از تفکر که از برای انسان مجاهد پیش می آید، عزم است. عزم بر اینکه ظاهر و صورت خود را انسان عقلی و شرعی نماید و انسان شرعی عبارت است از موافق مطلوبات شرع رفتار کند و ظاهرش ظاهر رسول اکرم (ص) باشد و تاسی به آن بزرگوار نماید (چهل حدیث، ۸).</p>
<p>مبنای کنشی مشاوره اخلاق محور عاملیت انسان است. اصول مرتبط با این مبنای تکرار عمل به منظور تبدیل آن ویژگی نهادینه شده و تداوم آن در طول زندگی و مهم تر از آن، حفظ سلامت عمل در طول زمان است. اصل اراده مندی دمام توجه دهنده به امکان تغییر پذیری همیشگی انسان و عاملیت او در هر لحظه برای تصمیم به تغییر مسیر است.</p>	<p>کد نظری: (ادغام افق مؤلف و محقق)</p>

بحث و بررسی

رویکردهای متفاوت بر اساس تعریف مختلفی که از ماهیت تعارض و علل به وجود آورنده آن دارند، درمان های مختلفی پیشنهاد داده اند که می توان آنها را در دو دسته اصلی درمان های فردی و درمان های منظومه ای تقسیم بندی کرد که در واقع، درمانگران فردی بر این فرض معتقدند که درمان باید متوجه فرد و ساختن فردیت او باشد و نقطه تغییر یا حیطة اثر متوجه پویایی های درونی فرد است و در درمان منظومه ای متوجه روابط بین افراد است (اسمعیلی، ۱۳۹۴: ۶۳).

مهم‌ترین مسأله در نظام اخلاقی الهی، تعیین مطلوب نهایی انسان است و در این راستا بررسی ویژگی‌های انسان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در این میان دوست داشتن خود از ریشه‌ای‌ترین گرایش‌های انسان به شمار می‌آید. انسان خود را دوست دارد و این علاقه باعث می‌شود که آنچه را موجب جاودانگی و کمال خود می‌داند را نیز دوست داشته و به آن گرایش داشته باشد. میل به جاودانگی و کمال، هر دو مظهری از علاقه به خود و نتیجه میل و جوششی درونی به خود هستند (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۳۷).

همچنین برای هر یک از صفات درونی، چه ویژگی‌های نهادینه شده خوب و چه بد، مراتب زیادی وجود دارد. حتی گاهی داشتن یک مرتبه از این ویژگی‌های اخلاقی خوب و یا نداشتن آن در بدی‌ها از ویژگی‌های اولیاء خدا باشد و سایر مردم بر طبق مقامی که دارند، آن صفت که برای دسته اول نقص است، برای آنها نقص نباشد، بلکه یک کمال هم باشد و همین‌طور خوبی‌های این دسته، بدی‌های دسته دیگر است (خمینی، ۱۳۸۴، ۵۶ و ۱۵۶). حتی صفات مشابه هم به دلیل ریشه‌ها^۱، اهداف^۲ و نتایج^۳ مختلف با هم متفاوت هستند (خمینی، ۱۳۸۱، ۳۳۶). اختلاف درجات صفات به دلیل اختلاف درجات افراد است. اشتباه بین صفات نفس بسیار است و کم کسی است که بتواند بین آنها تشخیص بدهد. از آنجا که صفات وجودی، چه بدی‌ها و چه خوبی‌ها، بسیار دقیق است و فرق بعضی با بعضی بسیار مشکل است، بهتر این است که این امور را به وجدان خود افراد واگذار کرد. در واقع، هر کس باید خود درمان‌کننده قلب و طیب روح خود باشد (خمینی، ۱۳۸۴: ۳۲۸، ۵۲، ۸۰ و ۱۳۱).

پس می‌توان نتیجه گرفت که با توجه به مبنای گرایشی کمال‌طلبی و مبنای بینشی دوم و چهارم، یعنی مرتبه‌مندی و مسئولیت فردی، نقطه تغییر در مشاوره اخلاق محور، فردی است منتهی، نه از نوع فردگرایی رایج در نظریات روان‌شناسی، بلکه نوعی فردگرایی توحیدی که مبنای اصلی آن میل فطری به کمال خود است.

۱. مبادی.

۲. غایبات.

۳. ثمرات.

انسان مراتب وجودی مختلفی دارد که هر یک از این مراتب نیروهایی دارد. مرتبه ظاهر که اکثر انسان‌ها در این مرتبه مشترک هستند و نیروهای هفتگانه (دست و پا و چشم و گوش زبان شکم و فرج)، نیروهای این مرتبه است. تأثیر مؤلفه عقل در این مرتبه، عمل این هفت نیرو به وظیفه خود است و در مقابل، غلبه مؤلفه جهل منجر به عمل نکردن این نیروها به وظایف شرعی خود است. مراقبت از این هفت نیرو به نوعی مراقبت از ورودی‌ها در رابطه زوجین است. در مرتبه باطن یا خیال، انضباط نیروهای سه‌گانه غضبیه شهویه و واهمه، منجر به غلبه مؤلفه عقل خواهد شد و برعکس عدم اعتدال در این نیروها، پیروزی مؤلفه جهل را به دنبال دارد (خمینی، ۱۳۸۴: ۲۶).

به طور مثال کنترل خیال مانع از سوءظن‌های ارتباطی می‌شود. کسی که رفتار همسرش را بر مبنای ظنی که نسبت به منش او دارد (حال ممکن است این ظن صحیح یا غلط باشد و این صفت نهادینه شده، حقیقی باشد یا توهم این صفت باشد) تعبیر و تفسیر می‌کند، در واقع خیال خود را مقید و منضبط نکرده و از دایره اعتدال خارج گشته است؛ چرا که حتی اگر همسرش ویژگی نهادینه شده جهل محوری داشته باشد، چون عوامل مختلفی در لحظه برای تبدیل تشخیص فرد به عملش نقش دارد و منش تنها یکی از این عوامل است، نمی‌توان به نیت پشت رفتار او پی برد و نقش اراده را در عمل وی نادیده بگیرد.

البته این اهمیت نیت خوب و یا همان انگیزه نیک داشتن در انجام کارها بدین معنا نیست که اگر نیت فرد درست باشد، هر کاری که از او سر بزند، درست است؛ چرا که هر نیت و انگیزه و هدفی با کار خاصی تناسب دارد، چرا که افعال و اعمال تبلور خارجی نیت‌ها است (مصباح یزدی، ۱۳۸۲: ۱۴۴). هر عمل باید در یک فضای بین‌الذهانی در رابطه همسران با نیت آن همخوانی مناسبی داشته باشد، و این‌ها همه از عوامل زمینه‌ساز تعارضات همسران هستند.

همچنین همه انسان‌ها بر مبنای میل فطری کمال، به دنبال کمال هستند و از یک سو با توجه به عوامل مختلف، از جمله تفاوت محیط و عادات و عقاید و همچنین منش متفاوت و از سوی دیگر تشخیص جهل محور به جای تشخیص عقل محور، دچار تعارض منافع و گرایش‌ها می‌شوند (خمینی، ۱۳۸۱: ۸۱) که البته این به خاطر جنس دنیای مادی است که نه تنها افراد مختلف از جمله زوجین دچار تعارض منافع می‌شوند، بلکه حتی انسان‌ها در تأمین نیازهای مراتب مختلف وجودی خود نیز دچار این تعارض شده و هر لحظه نیازمند انتخاب و اهم و مهم کردن هستند.

البته لازم به ذکر است که با توجه به یکپارچگی نظام توحیدی، اگر انتخاب‌های انسان‌ها عقل محور و منطبق بر شرع باشد، هیچ‌گاه دچار تعارض گرایش‌ها نخواهند شد؛ چرا که همه طالب کمال مطلق و یگانه هستند و با وجود تفاوت منش، مصداق کمال یکی است.

با ادامه یافتن و تکرار تعارض ایجاد شده به دلیل گرایش‌های متفاوت همسران، در وجود آنها ویژگی نهادینه شده تعارض‌جویی^۱ شکل خواهد گرفت (خمینی، ۱۳۸۴: ۳۶۹). جدال و خصومت در گفتگو، قلب‌ها را نسبت به یکدیگر مریض می‌کنند، ریشه نفاق هستند، قلب را مشغول می‌کند و کینه در دل ایجاد می‌کند. اثر دیگر تعارض‌جویی، آزار دیگران است. تعارض‌جویی یک مرتبه باطنی است که علامت و نشانه آن در ظاهر، نیرنگ و عوام‌فریبی است؛ به طوری که نسبت به بعضی متواضع و متملق و هستند و با خانواده خود تکبر می‌کنند و آنها را در گفتار و عمل تحقیر می‌کنند (خمینی، ۱۳۸۴: ۳۸۷، ۳۷۴ و ۳۷۶)

پس می‌توان گفت با توجه به **مبنای گرایشی انتخابگری اثرپذیر و توجه به اصول اثرپذیری محیطی و منشی** انسان‌ها از یک سو و **مبنای بینشی انتخابگری آزادانه**، در هر لحظه زوج در معرض نزاع درونی عقل و جهل قرار داشته و ممکن است تشخیص جهل محور و متفاوت از کمال، منجر به بروز تعارض مابین آنها شود. با توجه به **مبنای گرایشی مرتبه‌مندی و سرایت**، نزاع درونی سطوح مختلفی دارد که غلبه مؤلفه‌های جهل بر مؤلفه‌های عقل در مراتب ظاهری و باطنی وجود انسان، از مهم‌ترین علل زمینه‌ساز تعارضات همسران است.

مبنای بینشی وحدانیت نفوس، ملاک مناسبی برای ارزش‌گذاری تعارضات زوجین است؛ به طوری که اگر تعارض به این مبنای آسیب برساند، منفی و در صورت مدیریت صحیح و کمک به ارتباط، حتی ممکن است مثبت ارزش‌گذاری شود.

در چرخه تولید عمل، اگر عملی تکرار شود، تبدیل به ویژگی نهادینه شده‌ای می‌شود و مجموعه این ویژگی‌ها در وجود فرد تشکیل منش می‌دهد. امام خمینی در چهل حدیث می‌فرماید: عمل همان نیت است و غیر نیت چیزی در کار نیست. با توجه به کلام «کل یعمل علی شاکلته» اعمال تابع منش فرد است (خمینی، ۱۳۸۱: ۳۳۲)، ولی این به آن معنا نیست که پس از

۱. مرء و جدال.

شکل‌گیری منش، فرد قادر به تغییر خود و عملش نباشد و رنگ اراده در اعمالش کم شود. انسان می‌تواند تغییر کند و اینکه فلان خلق زشت یا فلان صفت بد از ذاتیات است و قابل تغییر نیست، حرفی بی‌اساس است و با تلاش و مجاهدت، تمام صفات اخلاقی را می‌توان تغییر داد. هیچ ویژگی اخلاقی نیست، الا آنکه انسان تا در این عالم است می‌تواند آن را اصلاح کند؛ گرچه در جان فرد ریشه دوانده و مستحکم گردیده باشد و فقط تلاش و مجاهدت روحی و جسمی برای تغییر آن متفاوت و بیشتر است (خمینی، ۱۳۸۱: ۳۴ و ۱۵۸).

پس صفات اخلاقی جهل محور قابل تغییر هستند و درمان اخلاقی باید علاوه بر علمی بودن، به قلب و مرحله معرفت هم برسد. معرفت چیزی غیر از علم است. باید بعد از علم پیدا کردن به چیزی، به قلب خود نیز تسلیم آنها شود و عمل قلبی را که یک نحو تسلیم و خضوعی است و نوعی زیر بار رفتن است، انجام دهد تا مؤمن گردد و کمال ایمان، اطمینان است. پس باید قلب تسلیم عقل شود. علم لذت عقل و تسلیم، لذت قلب است و این دو متفاوتند (خمینی، ۱۳۸۴: ۳۷). تکرر عمل و اقدام، مطلب علمی را به قلب می‌رساند و معرفت حاصل می‌شود (خمینی، ۱۳۸۱: ۸۸). پس صرف شناخت عقلی کافی نیست و با عمل باید علم را به قلب رساند و برای قلب ذائقه سازی کرد.

پس با توجه به **مبنای کنشی عاملیت** می‌توان گفت تغییر مؤلفه‌های اخلاقی مؤثر در تعارضات زوجین همیشه امکان‌پذیر است. این تغییرات با توجه به **اصول تکرار، تداوم و حفظ سلامت** عمل باید انجام شده و تبدیل به ویژگی نهادینه شده فردی و ارتباطی شود و حتی منش زوجین بر این اساس قابل تغییر است.

جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

درمان‌های معطوف به تعارض همسران را به دو دسته کلی درمان‌های فرد محور و منظومه محور می‌توان تقسیم کرد. مدل‌های درمانی ساختاری که بر بافت خانواده تأکید دارند و در توصیف مشکلات و شناسایی راه‌حل‌ها به استعاره‌های فضایی و سازمانی متوسل می‌شوند، مدل‌های تجربه‌ای که به درگیری هیجانی، رشد و کمال شخصی و خودمختاری از طریق تجربه فعلی، رویارویی، مواجهه، شهود، خودانگیختگی و کنش می‌پردازند و مدل‌های راهبردی که مداخلات

مستقیم یا تکلیف مدار را به فهم معنای نشانه‌ها ترجیح می‌دهند، با اعمال تغییرات نوع اول به درمان زوجین می‌پردازند و بعد از آن، مدل سیستمی میلان در میانه راه با تغییر جهتی بنیادی به اعمال تغییرات نوع دوم پرداخت و به این شکل رویکردهای بعدی وارد مرحله جدیدی از درمان شدند که به درمان‌های پست مدرن معروف هستند (گولدنبرگ، ۱۳۹۴، ۶۷۵).

در مقایسه رویکرد مشاوره اخلاق محور با دیگر نظریات زوج درمانی، بررسی نوع تغییرات حاصل از درمان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. تغییرات نوع اول، نگاهی محدود کننده به انسان دارد، زیرا در پارادایم اثبات گرایی انسان را شبیه سیستم‌های مکانیکی می‌بیند. رویکردهای منظومه محور فرد و خانواده را در ارتباط با محیط و اجتماع به صورت یک سیستم و کل منسجم در نظر می‌گیرند. با توجه به بازگشت پذیری تغییرات نوع اول و دوم، گاهی نیاز می‌شود که تغییر در نظام ارزشی و اعتقادی فرد یا به عبارت بهتر تغییر در سطح هویت و جهان بینی افراد اتفاق بیفتد که تغییراتی ماندگار و جدی تر هستند. در این راستا در کنار نظریه‌های مختلف مشاوره، معنویت و مذهب در حال تبدیل شدن به یک مفهوم چندبعدی مرتبط با سلامتی و درمان مشکلات روانی است (اسمعیلی، دهدست، قبادی و عسگری ۱۳۹۹: ۹).

نوآوری پژوهش حاضر، کل نگری آن در پرداختن اخلاق محور به تعارض همسران است؛ چرا که در پژوهش‌های بسیاری، مشاوره اخلاق محور به مراجعان، صرفاً در تصمیم گیری‌های اخلاقی اطلاق می‌شود؛ از جمله مقاله گروت و وان هونک (۲۰۱۷) و گروت و لیگت^۱ (۲۰۱۱) در باب مشاوره اخلاقی مسیری به سوی رشد، همچنین پژوهش کربس و همکاران^۲ (۲۰۰۲) روی درگیری اخلاقی بین فردی زوج‌ها که عقیده دارند مرحله رشد اخلاقی کولبرگ، ممکن است بر انواع معضلات اخلاقی افراد، از جمله تعارضات اخلاقی زوجین در زندگی روزمره خود تأثیر بگذارد.

در میان پژوهش‌های بومی و دینی نیز نوآوری این پژوهش در پرداختن به تعارض همسران از زاویه اخلاق فضیلت گرای توحیدی و مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی (رحمة الله) است که علاوه بر بومی بودن، تغییراتی از جنس تغییرات نوع سوم ایجاد می‌کند و با ایجاد نگرش‌های جدید در

1. Leget, C.

2. Krebs, D. L., Denton, K., Wark, G., Couch, R., Racine, T., & Krebs, D. L.

نظام اعتقادی، جهان‌بینی و حتی هویت زوجی همسران، احتمال بازگشت‌پذیری در درمان را کاهش می‌دهد. در این پژوهش ابتدا با بررسی ماهیت تعارض همسران در رویکردهای مختلف روان‌شناختی، به استخراج مبانی و اصول هستی‌شناسی زیربنایی مشاوره اخلاق محور برای مدیریت تعارض همسران پرداخته شد.

پس از آن با توجه به این مبانی، به تبیین علت تعارضات همسران، نقطه تغییر و مبانی و اصول درمانی پرداخته شد و بدین ترتیب، تعریف جدیدی از تعارض همسران از زاویه اخلاق به دست آمد. به عبارت بهتر در این پژوهش با تأکید بر میل فطری کمال‌طلبی در انسان‌ها، بسط مفهومی در مفهوم تعارض همسران از منظر اخلاق مبتنی بر آثار اخلاقی امام خمینی ایجاد شد.

فهرست منابع

- احمدی، صدیقه، برقی، شیما سادات و عباسی، زهره. (۱۳۹۵). «مقایسه تأثیر آموزش مبتنی بر درمان روایت دلبستگی و معنویت درمانی بر تعارضات زناشویی». *اسلام و پژوهش‌های روان‌شناختی*، ۲ (۴)، ۹۹-۱۱۲.
- اسلام‌زاده، بابک؛ اسمعیلی، معصومه و کاظمیان، سمیه. (۱۳۹۶). «تحلیل کیفی بررسی نقش نوسازی جامعه همراه با رسانه‌های مجازی بر ساختار خانواده». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۸ (۳۱)، ۱۳۳-۱۶۴.
- اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۷). *کاربست نظریه‌های انتقادی اجتماعی درمان خانواده*. تهران: جامعه‌شناسان.
- اسمعیلی، معصومه؛ دهادست، کوثر؛ قبادی، شهاب و عسگری، محمد. (۱۳۹۹). «مطالعه کیفی الگوی سهم‌گذاری در مشاوره با رویکرد اسلام و نقش آن در پایداری تغییرات نوع اول و دوم و سوم مراجعان». *مسائل کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی*، (۵)، ۷-۳۲.
- اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۴). *ملاحظات پارادایمیک در خانواده درمانی*. تهران: نشر علم.
- اسمعیلی، معصومه. (۱۳۹۳). «ارائه الگوی خانواده درمانی سهم‌گذار در حل تعارضات خانواده». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۵ (۲۰)، ۲۸-۵۷.
- امید، مسعود. (۱۳۸۸). *فلسفه اخلاق در ایران معاصر*. تهران: نشر علم.
- بهرامی، شجاع و سبزی، داوود. (۱۳۹۶). «تقارن بومی سازی و اسلامی سازی علوم انسانی در اندیشه‌های امام خمینی (رحمة الله)». *پژوهش‌های انقلاب اسلامی*، ۶ (۲۲)، ۶۱-۸۵.
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۱). *شرح حدیث جنود عقل و جهل*. چاپ ششم. تهران: مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی (رحمة الله).
- خمینی، روح‌الله. (۱۳۸۴). *شرح چهل حدیث*. چاپ سی و دوم. تهران: مؤسسه چاپ و نشر آثار امام خمینی (ره).
- زارغان، احمد. (۱۳۹۰). *مهارت آشتی‌کنان*. تهران: سازمان فرهنگی هنری شهرداری تهران.
- شریعتمدار، آسیه. (۱۳۹۶). «طراحی الگوی اخلاقی خانواده امن و عاری از خشونت علیه زنان، مبتنی بر نظرات نراقی». *پژوهش‌های مشاوره*، ۱۶ (۶۲)، ۳۲-۵۱.
- طهرانی آزاد، لیلیا و مجتبابی، مینا. (۱۳۹۸). «روابط ساختاری بین رضایت زناشویی و حل تعارض بر اساس نقش میانجیگر سرمایه‌های روان‌شناختی زوج‌ها». *فصلنامه علمی-پژوهشی روان‌شناسی کاربردی*، ۳ (۵۱)، ۴۷۵-۴۹۶.
- کاظمیان، سمیه، شریعتی، صدرالدین، اسمعیلی، معصومه و فرحبخش، کیومرث. (۱۳۹۲). «طراحی الگوی آموزشی حل تعارض خانواده بر مبنای دیدگاه انسان‌شناسانه آیت‌الله جوادی آملی». *فرهنگ مشاوره و روان‌درمانی*، ۴ (۱۳)، ۱۱-۳۴.
- گولدنبرگ، هربرت و گولدنبرگ، آیرین. (۱۳۹۴). *خانواده درمانی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. تهران: رسا.

- مصباح یزدی، مجتبی. (۱۳۸۲). فلسفه اخلاق، (ویرایش دوازدهم). قم: نشر مؤسسه امام خمینی (رحمة الله).
- نعیمی، ابراهیم و شریعتی، صدرالدین. (۱۳۹۳). «الگوی مشاوره‌ای حل تعارضات زناشویی مبتنی بر دیدگاه‌های جنسیتی قرآن کریم». فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۵ (۱۸)، ۱-۳۴.
- Behar-Zusman, V., Chavez, J. V., & Gattamorta, K. (2020). Developing a measure of the impact of COVID19 social distancing on household conflict and cohesion. *Family process*, 59 (3), 1045-1059.
- Bergman, K. N., Cummings, E. M., & Davies, P. T. (2014). Interparental aggression and adolescent adjustment: the role of emotional insecurity and adrenocortical activity. *Journal of family violence*, 29 (7), 763-771.
- Bergman, K. N., Cummings, E. M., & Warmuth, K. A. (2016). The benefits of marital conflict. Contexts for young child flourishing: Evolution, family, and society, 233-245.
- Bischoff, R. J. (2008). "Recent research on couple communication". *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 7 (1), 71-76.
- Caughlin, J. P., Scott, A. M., Smith, S., & Wilson, S. R. (2010). "Toward a communication theory of the demand/withdraw pattern of interaction in interpersonal relationships", *New directions in interpersonal communication research*, 180-200.
- Curran, M., Ogolsky, B., Hazen, N., & Bosch, L. (2011). "Understanding marital conflict 7 years later from prenatal representations of marriage". *Family process*, 50 (2), 221-234.
- Cummings, E. M., Zahn-Waxler, C., & Radke-Yarrow, M. (1981). "Young children's responses to expressions of anger and affection by others in the family". *Child development*, 1274-1282.
- Cummings, E. M., Goeke-Morey, M. C., & Papp, L. M. (2004). "Everyday marital conflict and child aggression", *Journal of abnormal child psychology*, 32 (2), 191-202.
- De Groot, J., & Leget, C. (2011). Moral counselling: A method in development. *Journal of Pastoral Care & Counseling*, 65 (1), 1-14.
- De Groot, J., & van Hoek, M. E. (2017). Contemplative listening in moral issues: Moral counseling redefined in principles and method. *Journal of Pastoral Care & Counseling*, 71 (2), 106-113.
- Dunaetz, D. R. (2020). Personality and conflict style: Effects on membership duration in voluntary associations.
- Dohery, W. J. (1985). "Values and Ethics in Family Therapy. *Counseling and Values*", 30 (1), 3-8.
- Efendić, E., van de Calseyde, P., & Evans, A. M. Accepted in: *Organizational Behavior and Human Decision Processes*.
- Feeney, J. A., & Karantzas, G. C. (2017). "Couple conflict: Insights from an attachment perspective". *Current opinion in psychology*, 13, 60-64.
- Gottman, J., Markman, H., & Notarius, C. (1977). The topography of marital conflict: A sequential analysis of verbal and nonverbal behavior. *Journal of Marriage and the Family*, 461-477.
- Halperin, E., Tager, M. R. (2017). "Emotions in conflicts: understanding emotional processes sheds light on the nature and potential resolution of intractable

- conflicts", *Current Opinion in Psychology*, 17, 94-98.
- James, A. (2002). *Couples, Conflict and Change: social work with marital relationships*. Routledge
- Krebs, D. L., Denton, K., Wark, G., Couch, R., Racine, T., & Krebs, D. L. (2002). Interpersonal moral conflicts between couples: Effects of type of dilemma, role, and partner's judgments on level of moral reasoning and probability of resolution. *Journal of Adult Development*, 9 (4), 307-316.
- Kjaer, T., Albieri, V., Jensen, A., Kjaer, S. K., Johansen, C., & Dalton, S. O. (2014). Divorce or end of cohabitation among Danish women evaluated for fertility problems. *Acta obstetrica et gynecologica Scandinavica*, 93 (3), 269-276
- Kubricht, B. C., Miller, R. B., Li, T. S., & Hsiao, Y. L. (2017). Marital conflict and health in Taiwan: A dyadic longitudinal analysis. *Contemporary Family Therapy*, 39 (2), 87-96
- Meyers, M., WEINSHEL, M., SCHARF, C., KEZUR, D., DIAMOND, R., & RAIT, D. S. (1995). An infertility primer for family therapists: II. Working with couples who struggle with infertility. *Family Process*, 34 (2), 231-240.
- Peleg-Koriat, I., Weimann-Saks, D., & Ben-Ari, R. (2018). The relationship between power perception and couple's conflict management strategy. *Journal of Couple & Relationship Therapy*, 17 (3), 227-249.
- Pettit, G. S., Lansford, J. E., Dodge, K. A., & Bates, J. E. (2010). The interactive effects of marital conflict and divorce on parent-adult children's relationships. *Journal of Marriage and Family*, 72 (2), 282-292.
- Peixoto-Freitas, J., Rodríguez-González, M., Crabtree, S. A., & Martins, M. V. (2020). Differentiation of Self, Couple Adjustment and Family Life Cycle: A Cross-Sectional Study. *The American Journal of Family Therapy*, 1-18.
- Protinsky, H., Sparks, J., & Flemke, K. (2001). "Using eye movement desensitization and reprocessing to enhance couples treatment", *Journal of Marital and Family Therapy*, 27, 157-164
- Sager, D. E., W. G Sager & Sanctus. (2005). Marriage Enrichment. *Counseling and Therapy for Couples and Families*. 2, 212-218.
- Schmid, L., Wörn, J., Hank, K., Sawatzki, B., & Walper, S. (2020). Changes in employment and relationship satisfaction in times of the COVID-19 pandemic: Evidence from the German family Panel. *European Societies*, 1-16
- Sanford, K. (2007). Hard and soft emotion during conflict: Investigating married couples and other relationships. *Personal Relationships*, 14 (1), 65-90.
- Taylor, N. C., Seedall, R. B., Robinson, W. D., & Bradford, K. (2018). The systemic interaction of attachment on psychophysiological arousal in couple conflict. *Journal of marital and family therapy*, 44 (1), 46-60.
- Teuma, M. (2016). *Exploring marital conflict and its influence on children* (Bachelor's thesis, University of Malta).
- Tuana, N. (2007). Conceptualizing moral literacy. *Journal of Educational Administration*.
- Rollins, B. C., & Feldman, H. (1970). Marital satisfaction over the family life cycle. *Journal of Marriage and the Family*, 20-28
- Walsh, C. M., & Neff, L. A. (2018). We're better when we blend: The benefits of couple identity fusion. *Self and Identity*, 17 (5), 587-603.

- Whiting, J. B. (2008). The role of appraisal distortion, contempt, and morality in couple conflict: A grounded theory. *Journal of Marital and Family Therapy*, 34 (1), 44-57.
- Welch, T. S., Lachmar, E. M., Leija, S. G., Easley, T., Blow, A. J., & Wittenborn, A. K. (2019). Establishing safety in emotionally focused couple therapy: A singlecase process study. *Journal of marital and family therapy*, 45 (4), 621-634.
- Whitton, S. W., James-Kangal, N., Rhoades, G. K., & Markman, H. J. (2018). Understanding couple conflict.

